



## مدیریت شانس

© August 2006, Dr David Hillson PMP FAPM

[david@risk-doctor.com](mailto:david@risk-doctor.com)

دکتر ریسک عزیز،  
من می بینم که شما گاهی اوقات برای افراد آرزوی "خوش شانس" می کنید. دلیل این کار چیست؟ آیا تکیه و اعتماد کردن به شانس برای کاربر ریسک، غیر حرفه ای نیست؟ آیا نباید به جای امیدوار بودن به شانس به مدیریت ریسک پرداخت؟ لطفا توضیح دهید.  
ارادتمند شما  
کاربر ریسک سرگردان

کاربر ریسک سرگردان عزیز  
اجازه بدهید با یک تعریف شروع کنیم: "شانس یک پدیده ی ناشناخته و غیر قابل پیش بینی است که باعث وقوع رویدادی می شود که یک نتیجه از نتایج ممکن را در بر خواهد داشت". این پدیده به دو شکل ظاهر می شود: **خوش شانس**، وقتی که موارد مطلوبی به طور غیر منتظره اتفاق می افتند؛ و **بد شانس**، وقتی که اتفاق نا مطلوبی می افتد. بدینگونه شانس شبیه ریسک است - اتفاق غیر قطعی ای در آینده که اگر به وقوع بپیوندد قابل اهمیت خواهد بود. به خاطر بیاورید که ریسک دو حالت دارد: خطرها و فرصت ها. بنابراین شانس فقط افکار تدارک شده را دنبال می کند.  
البته شانس که هم شامل شانس خوب و هم شانس بد می باشد برای هر کسی اتفاق می افتد (به همان شکلی که ریسک برای همه ما اتفاق می افتد). نکته مهم این است که شما با آن چه می کنید. دو نکته وجود دارد که اگر ما از آنها اجتناب کنیم فقط خود را به آنچه شانس به دنبال خواهد داشت محکوم می کنیم.

نخست اینکه ما باید برای شانس آماده باشیم، چه شانس بد و چه شانس خوب. اگر شما شگفتی تاخواسته ای در کارتان داشته باشید چه انجام خواهید داد؟ آیا شما بدون ترس واکنش نشان می دهید یا اینکه سست و زمین گیر شده هیچ کاری انجام نخواهید داد؟ یا اینکه با برنامه ی پیشگیرانه ای که دارید پاسخ خواهید داد؟ احتمالا این برنامه در صورت ضرورت شامل موارد مربوط به مدیریت بحران، ترمیم رویدادهای ناگوار و دوام تجارت خواهد بود. و در صورت بروز شانس خوب چه اتفاقی می افتد؟ آیا شما به قدری شگفت زده می شوید که هیچ کاری انجام نداده این فرصت را از دست می دهید یا اینکه برنامه ی احتمالی ای جهت سود بردن از این منافع غیر قابل انتظار دارید؟ همانطور که لوئیس پاستر می گوید "شانس افکار تدارک شده را همراهی می کند". یا به بیان فیلسوف رومی سنکا (Seneca) "شانس آن چیزی است که وقتی تمهیدات پاسخگویی فرصت باشند روی می دهد".

## Risk Doctor Briefing

---

دوم اینکه ما مجبور نیستیم تنها به انتظار آن چیزی که شانس برای ما عملی می کند بنشینیم. ما می توانیم **شانس های خودمان را ایجاد کنیم**. گلف باز معروف گری پلییر (Gary Player) به این نکته اشاره نمود که "من سخت تر تمرین می کنم تا خوش شانس تر باشم". اسقف اعظم ویلیام تمپل (William Temple) تجربه مشابهی داشت که گفت "وقتی من عبادت می کنم شانس های منطبق با آن به من روی می آورند و اگر عبادت نکنم چنین نمی شود". اگر ما ریشه های شانس بد را کشف و مهار کنیم می توانیم تکرار و شدت آن را کاهش دهیم. به همین گونه پیدا کردن و انرژی دادن به دلایل شانس خوب می تواند منجر به شگفتی های خوب بیشتری شود.

نکته مهم این نیست که چقدر شما خوش شانس هستید بلکه این است که شما با شانس که به دست آورده اید چه می کنید. بنابراین بله، من برای شما آرزوی خوش شانس می کنم - و خردی که بدانید چگونه آن را مدیریت کنید.

با بهترین آرزوها  
دکتر ریسک

---

To provide feedback on this Briefing Note, or for more details on how to develop effective risk management, [contact the Risk Doctor \(info@risk-doctor.com\)](mailto:info@risk-doctor.com), or [visit the Risk Doctor website \(www.risk-doctor.com\)](http://www.risk-doctor.com).